شما را چه شده است که همدیگر را یارى نمى‌کنید؟! (25) [نه!] بلکه امروز آنان از در تسلیم درآمدگانند! (26) و بعضى روى به بعضى دیگر مى‌آورند [و] از یکدیگر مى‌پرسند! (27) [و] مى‌گویند: «شما [ظاهراً] از درِ راستى با ما درمى‌آمدید [و خود را حق به جانب مى‌نمودید]!» (28) [متّهمان‌] مى‌گویند: «[نه!] بلکه با ایمان نبودید. (29) و ما را بر شما هیچ تسلطى نبود، بلکه خودتان سرکش بودید. (30) پس فرمان پروردگارمان بر ما سزاوار آمد؛ ما واقعاً باید [عذاب را] بچشیم! (31) و شما را گمراه کردیم، زیرا خودمان گمراه بودیم!» (32) پس، در حقیقت، آنان در آن روز در عذاب شریک یکدیگرند! (33) [آرى،] ما با مجرمان چنین رفتار مى‌کنیم! (34) چرا که آنان بودند که وقتى به ایشان گفته مى‌شد: «خدایى جز خداى یگانه نیست»، تکبر مى‌ورزیدند! (35) و مى‌گفتند: «آیا ما براى شاعرى دیوانه دست از خدایانمان برداریم؟!» (36) ولى نه! [او] حقیقت را آورده و فرستادگان را تصدیق کرده است. (37) در واقع، شما عذاب پر درد را خواهید چشید! (38) و جز آنچه مى‌کردید جزا نمى‌یابید! (39) مگر بندگان پاکدل خدا! (40) آنان روزىِ معیّن خواهند داشت. (41) [انواع‌] میوه‌ها! و آنان مورد احترام خواهند بود. (42) در باغهاى پر نعمت! (43) بر سریرها در برابر همدیگر [مى‌نشینند]. (44) با جامى از باده ناب پیرامونشان به گردش درمى‌آیند؛ (45) [باده‌اى‌] سخت سپید که نوشندگان را لذتى [خاص‌] مى‌دهد؛ (46) نه در آن فساد عقل است و نه ایشان از آن به بدمستى [و فرسودگى‌] مى‌افتند! (47) و نزدشان [دلبرانى‌] فروهشته‌نگاه و فراخ‌دیده باشند! (48) [از شدّت سپیدى‌] گویى تخم شتر مرغ [زیر پَرَ]ند! (49) پس برخى‌شان به برخى روى نموده و از همدیگر پرس‌وجو مى‌کنند. (50) گوینده‌اى از آنان مى‌گوید: «راستى من [در دنیا] همنشینى داشتم، (51)